

## وسوسه...

از «دکتر عزیزاله سلیم پور»

نیس - فرانسه



خود این مسابقه را در زمان خویش در اورشلیم ترتیب داده بود و اگر بعضی هم از شرکت در این نوع مجالس خودداری میکردند در اثر مشغله زیاد و مأموریت‌هایی بود که از آن بالا بر دوششان بود و گرنه با جنس مؤنث مخالفتی نداشتند.

و اما اگر این جمله را در مورد حضرت عیسی مسیح هم نوشته بودند بنظر من هیچ اتفاقی رخ نمیداد. چون اگر حضرت مریم مانند بیشتر مادران

یهودی پسرش را خدای روی زمین نمیدانست و تا بسن ۳۳ سالگی او را در منزل خود نگه نداشته بود، شاید او هم دختر دلخواه خودش را پیدا کرده و خانه و خانواده‌ای تشکیل داده بود و شاید هم بدست رومیان وحشی و قدرت پرست به صلیب کشیده نمیشد!

او هم بنظر من نسبت به زیبایی کاندیداهای ملکه زیبایی جهان نمیتوانست بی تفاوت بماند، گر چه فیلمی که چند سال پیش توسط Scoreses بنام آخرین «وسوسه مسیح» بروی صحنه آمد توسط بعضی از مسیحیان افراطی و واپس‌گرا مورد حمله قرار گرفت و این شاهکار سینمایی در تمام سالن‌هایی که مایل به نشان دادنش بودند نتوانست بروی پرده بیاید.

آیا عکس العمل ایرانیان در مورد این گونه شوخی‌ها چه میتواند باشد؟ فکر کنم ایرانیان در دست انداختن خود از یهودیان چیزی کم ندارند و شوخی و طنز مانند شعر و شاعری هنری والا است که از پشتیبانی طبقات مختلف برخوردار است. کافی است شوخی‌های اصفهانی‌ها را در مورد خود و کاشی‌ها و یزدی‌ها و یا رشتی‌ها و ترک‌ها و... را بخاطر بیاوریم.

اخیراً شنیدیم که در نیجریه پرجمعیت‌ترین کشور آفریقائی در زد و خوردهائی که بمناسبت مسابقه انتخاب ملکه زیبایی جهان بین مسلمانان و مسیحیان درگرفت، بیش از ۲۰۰ نفر کشته شدند. یک تصور بچگانه ممکن است این باشد که با از دست دادن ۲۰۰ نفر به پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا آسیبی نمیرسد و گفتگو در مورد آن لزوم چندانی ندارد ولی آیا واقعا به این علت است که روابط سمعی بصری در این

مورد حرف زیادی تزدند و یا اینکه در دنیای امروز در همه موارد میشود حرف زد و نوشت بجز بعضی از موارد؟! اینطور که ما اینجا شنیدیم دو علت موجب این تظاهرات و زد و خوردها بوده: اول اینکه نمایش بدنهای نیمه‌عریان آن مهرویان اهانتی بمقام اسلام است و دوم اینکه در یکی از روزنامه‌های نیجریه شخصی در مقاله خود نوشته بوده است که «بنظر من اگر حضرت پیامبر هم در این زمان زندگی میکرد ممکن بود خود یکی از این ملکه‌های زیبایی را به همسری برگزیند.» آیا واقعا دیدن زیبایی آنگونه که پروردگار آنها آفریده اهانت به مذهب است و آیا میتوان آنها مانند اهالی متعصب نیجریه کفر دانست؟ آیا نمیتوان آن جمله روزنامه نگار را بعنوان یک شوخی و طنز تلقی نمود و با خنده و یا نیشخندی به آن نگاه کرد؟

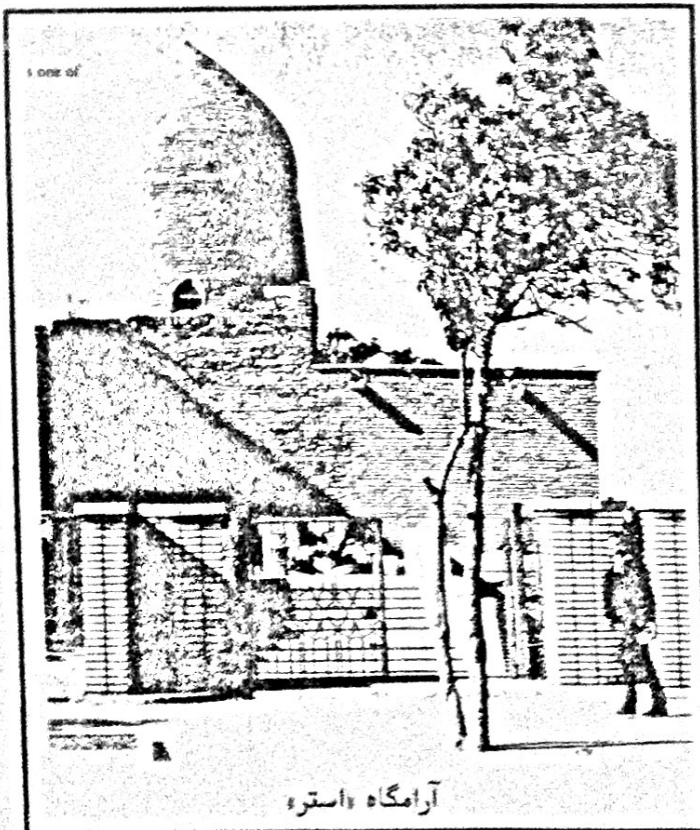
اگر این جمله را در مورد انبیاء یهودی گفته بودند چه میشد؟ فکر کنم یهودیان که خود گوینده شیرین‌ترین و خنده‌دارترین طنزها و شوخی‌ها در باره خودشان میباشند آنها یک شوخی بی‌نمک تلقی میکردند زیرا از آنها پنهان نیست که حضرت سلیمان چشم بد دور گویا صدها زن زیباروی در قصر خود داشته و شاید هم اگر توانسته بود

ساله ای که آفریده ای از خدا است را کرده اند، با شرم و سرشکستگی از دایره وحشت دور میشدند.

یادم میآید سالهای اوائل انقلاب، آقای بنام آیت الله گیلانی، در مصاحبه با «پاری ماچ» شرح میداد که روزی سوار ماشین بنز بوده؛ در خیابان ناصرخسرو آنقدر راه بدان بود که با سرعت بسیار کم بموازات زنی در پیاده رو مدت نیم ساعت پیش میرفته است. و این آقا با صراحت کامل میگفت که حرکات پای این زن در زیر چادر سیاه حال او را دگرگون کرده، موقع پیاده شدن از اتومبیل «متوجه میشود که نیاز به غسل دارد!» و البته گناه را بر گردن آن خانم از همه جا بی خبر می انداخت که از خانه بیرون آمده و مردان را به وسوسه می اندازد (!) نه بر خود دلء هیزش!

\*\*\*

راستی آیا میدانید که اولین مسابقه جهانی برای انتخاب ملکه زیبایی در ایران توسط خشایارشا بیش از پانصد سال (ق.م) انجام شد و آرامگاه کاندیدای منتخب، «استر یهودی» در کنار مقبره عمویش «مردخای» در همدان (اکباتان سابق) زیارتگاه یهودیان و مسلمانان ایرانی است؟!



آرامگاه استر

پس اینهمه هیاهو در نیجریه بخاطر چیست؟ در اینجا جمله ای از «پیر دپروژ» (Pierre Deproge) نویسنده و طنز نویس بزرگ فرانسوی که چند سال پیش در جوانی از جهان چشم بست بخاطرم میآید که میگوید «در باره همه چیز میشود شوخی کرد ولی نه با همه کس!»

آری بنظر من شوخی در مورد دانشمندان، پیامبران و... بلاشکال است ولی برای آن باید طرف مقابل دارای حداقل درک و شعور باشد. اگر من از یک سمفونی «استک هاوزن» لذتی نبرم و در مقابل آثار «میرو» و «پیکاسو» و «دالی» بی تفاوت بمانم و حوصله ام سر برود تقصیر از آن هنرمندان نیست، این از کمبود دانش هنری من است.

آینه گر نقش تو بنمود راست

خود شکن آئینه شکستن خطاست

اگر بعضی از اهالی نیجریه فکر میکنند یک پیامبر بزرگ زنی سیاهپوش با پیچه و چاقچور که از او ترکیبی از کلاغ و یک عضو «کو کلاکس کلان» میسازد را بر دختر زیبایی که با پوششی چشم نواز خود را پوشانده ترجیح میدهد و خلاف آن را کفر میدانند، دیگر مسئله خودشان است که «اهل شوخی نیستند» ولی البته «در باره همه چیز میشود شوخی کرد ولی نه با همه کس».

به هر حال رسیده بود بلائی ولی به خیر گذشت.

ضمناً گر چه «موضوع پیش پا افتاده ای است» شاید این نکته هم گفتنش بی مورد نیست که همزمان با این تظاهرات، مسئولین محترم کشور نیجریه همگی سنگسار زن ۲۰ ساله ای را که پس از طلاق از مردی دیگر آبیستن شده بود تأیید کردند!

لازم به گفتن نیست که هنگام بعثت حضرت محمد (ص) اعراب وحشی، دختران نوزاد را زنده بگور میکردند و این عمل غیر انسانی توسط پیامبر اسلام محکوم و ممنوع گردید. من که مسلمان نیستم اطمینان دارم که اگر امروز حضرت محمد (ص) باز میگشت و شاهد این تصمیم سبعانه بود، عیسی وار رو به این دد صفتان کرده میگفت «هر کس که خود گناهی مرتکب نشده است اولین سنگ را بطرف او پرتاب کند.» و آنگاه این آدم نماها که قصد جان دختر ۲۰